

هدیریت توحش

نویسنده: ابوبکر ناجی

مترجمان: لادن احمدیان هروی و سوده منصوری

www.ketab.ir

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
نویسنده: ابوبکر ناجی (اسم مستعار)
مترجمان: لادن احمدیان هروی و سوده منصوری
ویراستار علمی: سیاوش صلواتیان
ویراستار ادبی: کتایون قهرمانی
محرران: یحیی نشتاعلی، وحید لنجان‌زاده
طراح جلد: احمد رضا بندگانی
ت چاپ: اول - دی ۱۳۹۵
شمارگان: ۳۰۰ نسخه
قیمت: ۶۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۰۸۱-۸۷

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵ تلفن: ۹۰۲۲۱۲ - ۸۸۸۹۳۰۷۶ Email: nashr@rlc.ir

اثر پیش‌رو نتیجه ترجمه‌ای است که لادن احمدیان هروی و سوده منصوری در پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات انجام داده‌اند.

فهرست مطالب

۱.....	مقدمه ناشر
۳.....	مقدمه مترجم
۹.....	مقدمه

۱۵.....	مبحث مقدمه
۱۹.....	نظامی که از زمان مرافقه نامه پیکو جهان را مدیریت می کند
۱۹.....	توهم قدرت: مرکزیت ابر قدرت و نیروی نظامی جبار و فریبندگی رسانه ها

۲۹.....	مبحث اول
۳۲.....	تعریف مدیریت توحش و بیان پیشینه تاریخی آن
۳۲.....	پیشینه تاریخی و معاصر مدیریت توحش

۳۹.....	مبحث دوم
۴۰.....	مسیر برپایی دولت اسلامی
۴۱.....	کشورهای برگزیده برای مجموعه اصلی
۴۳.....	عوامل اساسی در گزینش
۴۵.....	اهداف اصلی در مرحله «قدرت دشمنی و فرسودگی»
۵۰.....	اهداف اصلی مرحله «مدیریت توحش»
۵۳.....	اهدافی که باید بر آن ها تمرکز کنیم و علل آن
۵۳.....	توقف درگیری در نقاط مشخصی از نقشه قبلی

۵۷.....	مبحث سوم
۵۷.....	مهم ترین اصول و سیاست ها در پیاده سازی نقشه عمل و به اذن خداوند تحقق اهداف مرحله «قدرت دشمنی و فرسودگی» به طور عام، و اهداف مرحله «مدیریت توحش» به طور خاص

فصل اول: چیره دستی در هنر مدیریت	۵۷
فصل دوم: چه کسی رهبری می کند، چه کسی مدیریت می کند، و چه کسی تصمیمات اساسی مدیریتی را اتخاذ می کند؟	۶۰
فصل سوم: به کارگیری اصول نظامی اثبات شده	۶۶
فصل چهارم: «به کارگیری خشونت»	۷۳
فصل پنجم: «دست یابی به قدرت»	۸۰
فصل ششم: فهم درست قواعد بازی سیاسی مخالفان مان و هم مسلکان شان و حرکت مابین رویارویی و همکاری با آن ها مطابق سیاست های شرعی	۸۶
فصل هفتم: دوقطبی کردن	۱۰۸
فصل هشتم: قواعد پیوستن	۱۱۷
فصل نهم: مهارت در بعد امنیتی، ارسال جاسوس و نفوذ در میان دشمنان و مخالفین از همه	۱۲۰
فصل دهم: مهارت در تعلیم و تربیت ضمن جنبش همان گونه که در ابتدای اسلام [متداول] بود	۱۲۵

مبحث چهارم

مهم ترین مشکلات روانی با آن روبه رو خواهیم شد و راه های پرداختن بدان ها ۱۴۳

مبحث پنجم

نتیجه گیری: آیا راه حل های آسان تر بی سری بود دارد؟	۱۶۵
مقاله اول: نبرد صبر	۱۸۵
مقاله دوم: کشمکش میان نفس بشری و سنت های الهی، دعوت به سوی حق	۱۹۶
مقاله سوم: مردان ما و افراد دشمن در زیر آتش	۲۰۴
مقاله چهارم: قواعد جهانی در خصوص برگزیدگان و اشرار	۲۱۷
مقاله پنجم: روش ما رحمت برای همه عالم است	۲۳۲
مقاله ششم: فتنه اصطلاحات... به عنوان مثال منفعت و مفسده	۲۴۵
مقاله هفتم: سیاست دوقطبی کردن و ثروت	۲۵۴
کلیدواژه های مدیریت توحش	۲۶۲

مقام معظم رهبر، در دیدار با شرکت‌کنندگان «کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری» از دیدگاه علمای اسلام سه پیشنهاد اساسی دادند که اولین آن تشکیل یک نهضت علمی و منطقی فراگیر از سوی همه علمای مذاهب اسلامی است. ریشه‌کن کردن جریان تکفیری بود. یعنی باید حرکت علمی عظیمی انجام گردد که با زبان دین، با زبان علم، با منطق صحیح بتواند جوانان درگیر داعش را نجات دهد.

بر این اساس، اثر پیش رو تلاشی است در جهت فهم بهتر و عمیق‌تر از داعش که بخش اساسی از جریان تکفیری است. تاکنون کتاب‌هایی که در مورد داعش و جریان‌های مشابه آن چاپ رسیده، به‌نوعی حاشیه آن را روایت کرده است، یعنی زمینه‌های شکل‌گیری، رسانه‌ها و عملکرد این جریان، و نقد و بررسی آن. اما اثر حاضر بسیار متفاوت از آثار دیگر است چرا که نویسنده کتاب، از جمله تئوریسین‌های داعش و زمانی سرپرست اتاق فکر القاعده محسوب می‌شد.

از آنجا که این کتاب در نهایت دقت، خشونت را تئوریزه کرده و دستورالعملی برای تکفیری‌ها محسوب می‌شود، انتشار و توزیع محدود آن در میان صاحب‌نظران، کوششی است برای شناختی دقیق و درونی از

عمق فتنه داعش و اگر جهان اسلام به خود نیاید، اگر روزی متصرفات سرزمینی داعش هم از دستشان برود، این نوع تفکر در جهان اسلام باقی خواهد بود؛ همچنان که خوارج، ابن تیمیه، و ابن قیم از بین رفتند ولی تفکر آنها امروز در قالب وهابیت، طالبان، القاعده، و داعش نمود یافته است.

با نگاهی به کتاب مدیریت توحش در خواهیم یافت که نگاه و رویکردی جدید در حوزه سلفی گری شروع شده است که ابایی از انتقاط و تحریف تاریخ اسلام به نفع خود ندارد. اگر تا امروز سلفی گری حرکتی منسوب به اهل حدیث که مخالف عقل هستند، معرفی می شد، اندیشه ابوالناجی در این کتاب حاکی از شروع یک نوسلفی گری است. > آمده اند عقل و عقلانیت را هرچند به طور غیرمستقیم و ابزاری تجویز می کنند.

● مقدمه مترجم

در سال ۲۰۰۴، استراتژیست برجسته القاعده با نام مستعار «ابوبکر ناجی» جزوه دوررسمی «مدیریت توحش» را در اینترنت منتشر کرد. این جزوه آشکارا نشان از گسست دارد؛ گسست از سنت بنیادگرایی بالاخص از خوانش مبتدعی آن، و نیز گسست از رویه سازمان مادری به نام «القاعده». لذا، متن «مدیریت توحش» حاوی نکات مهمی است که می‌توان از خلال آن جریان فکری ذهنی-ایدئولوژیک و به تبع آن چرخش استراتژیک گروهی از متفکران را مشاهده نمود که از القاعده انشعاب کردند. بدین معنا، «مدیریت توحش» را می‌توان سرآغاز دور جدیدی از تفکر بنیادگرایی اسلامی دانست که اگرچه هنوز شباهت‌هایی با اسلاف خود دارد اما به جهات بسیاری متن بنیادگرایی از همین رو است که جزوه مذکور از چنان اهمیتی برخوردار است که اندکی پس از انتشار، به انگلیسی ترجمه شده و مورد توجه مراکز علمی در غرب و البته سرویس‌های اطلاعاتی و امنیتی آن قرار می‌گیرد.

باید توجه داشت ایده‌هایی که ابوبکر ناجی در جزوه «مدیریت توحش» مطرح می‌کند، تا حدی همان‌هایی است که در رهبری ابو مصعب الزرقاوی به صورتی خام، پراکنده و فاقد انسجام تبلور یافته

بود. ایده‌هایی که می‌رفت تا کمتر از یک دهه بعد در رهبری ابوبکر بغدادی به پختگی رسیده و در عملکرد سازمانی گروه موسوم به «دولت اسلامی» به تمامی به اجرا درآمد. می‌توان ادعا کرد که «مدیریت توحش» صورت‌بندی ایدئولوژیک گروهی است که امروز مسبب بیشترین ناآرامی‌ها، ترس و وحشت، کشتار و آوارگی مردم بی‌گناه سوریه و عراق است؛ گروهی که البته هرگاه امکانش را بیابد از آتش افروختن در دیگر نقاط جهان نیز غفلت نمی‌کند.

از این‌رو عجیب نیست «دولت اسلامی» که از لحاظ عملی - سازمانی - ام‌دار رهبری ابو مصعب الزرقاوی است، بُعد ایدئولوژیک خود را از تری‌های ابوبکر ناجی گرفته باشد. الزرقاوی، این مجاهد اردنی از صلا در سال ۱۹۹۰ گروهی به نام جماعت توحید و جهاد بنیان گذارد. که مذکور در سال ۲۰۰۴، یعنی دو سال قبل از کشته شدن الزرقاوی، نام خود را به شاخه القاعده عراق تغییر می‌دهد. بعدها از دل همین گروه است که بی‌ی از هم‌تین انشعاب‌های تاریخ القاعده رخ داده و گروهی با نام در - می عراق و شام «داعش» متولد می‌شود. پیوندی که یکبار در زمان بن‌لادن (بین القاعده و جماعت توحید و جهاد) بسته شد، در زمان ایمان الخواصری می‌گسلند.

اما اگر بخواهیم به نقاط افتراق «دولت اسلامی» از دیگر گروه‌های بنیادگرا اشاره‌ای کنیم، بهتر است تجلی اختلاف ما را در بارزترین جلوه گروه یعنی نام او بجویم. «دولت اسلامی» تا تری از میان سازمان‌های بنیادگرای اسلامی است که از واژه دولت بر نام خود استفاده کرده است. نام گروه به خوبی نشان می‌دهد که تا چه حد دعوی دولت بودن هم و غم اصلی آن‌ها است. در واقع، این‌جا با گروهی رو به رو هستیم که خود را بیش از آن که سازمانی چریکی یا گروهی معارض ببیند، دولتی تمام عیار می‌پندارد. ایده «گروه به مثابه دولت»، همان ایده محوری است که ارجاع بدان ما را در رمزگشایی از رفتار این گروه

یاری می‌رساند.

به عنوان مثال، یکی از حیرت‌آورترین نکات درباره «دولت اسلامی»، ائتلافی است که این گروه منشعب شده از القاعده را در پیوند با نظامیان بعضی قرار می‌دهد. این پرسش که چه زمینه‌ای امکان چنین همکاری را فراهم آورده، از جمله سوالاتی است که مکرراً در خصوص گروه «دولت اسلامی» مطرح می‌شود. برای پاسخ به این پرسش، لازم است بگویم که را یادآور شویم: اولاً، طرحی که ابوبکر ناجی در کتاب «مدیریت توحش» ترسیم می‌کند گسست از ایده «گروه پیشتاز» است و همین طرح است که بعدها در هیئت «دولت اسلامی» تجلی می‌یابد. غیاب گروه پیشتاز از مسیر راه «مدیریت توحش» شرایطی را مهیا می‌کند تا هر مبارزی، فارغ از پیشینه اعتقادی و حتی سطح ایمان امروزش، بتواند به صفوف محاربین بپیوندد. ثانیاً، در جزوه «مدیریت توحش» ایده سید قطب «گروه پیشتاز» - ای خود را به این باور بنیادین می‌دهد که ایمان از مبارزه است که برهم بخیزد و نه برعکس. به عبارتی دیگر، ابوبکر ناجی معادله سید قطب را معکوس می‌کند. بدین ترتیب، نه تنها دیگر نیازی به گروه پیشتاز نیست، بلکه آن‌ای که بخواهند به ایمان حقیقی دست یابند راهی جز قدم نهادن در مبارزه و جهاد ندارند. به باور سید قطب، ابتدا باید گروهی از مؤمنان را، نیک، پاک و مخلص گردیم تا به عنوان موتور محرک جامعه، با به حرکت درآورند؛ حرکتی به سوی تغییر و تاسیس جامعه‌ای ایمانی. این گروه پیشتاز باید متشکل از چنان افراد مؤمنی باشد که به تعبیر سید قطب آموزه‌های اسلام در پیکر ایشان تجلی یافته و از این رو، آماده جهاد باشند. بدین معنا، سید قطب وجود افرادی با ایمان حقیقی را پیش شرط حرکت انقلابی به سوی جامعه توحیدی می‌داند. این معادله نزد ابوبکر ناجی وارونه می‌شود، دیگر لازم نیست منتظر گروه پیشتازی بمانیم تا زمینه را برای برپایی دولت اسلام و شکل‌گیری جامعه ایمانی فراهم

آورد. برعکس، از خود جنگیدن و جهاد است که معرفت و ایمان برمی‌خیزد. همین استدلال است که ائتلاف با نیروهای بعثی را که روزگاری سردمدار سکولاریسم در منطقه بودند، ممکن می‌کند.

در این زمینه، متن «مدیریت توحش» صریح است و جایی برای پرده‌پوشی نمی‌گذارد. به عنوان نمونه، ابوبکر ناجی از سیاستی با نام «تألیف القلوب بالمال» سخن می‌گوید و بر آن مهر تأیید می‌زند که بر اساس آن، نه تنها ائتلاف بر سر منافع مشترک مجاز است، بلکه می‌توان طامع دنیوی از مال و ثروت گرفته تا جاه و مقام را پیش‌کش کرد تا رهبران قبائل، بزرگ‌خاندان‌ها، افسران ارتش و حتی بدنه نیروهای نظامی را جذب کرده و به خدمت گرفت. به باور ابوبکر ناجی، چرایی ورود این افراد به ائتلاف نیروهای مبارز مهم نیست، بلکه نفس پیوستن به مجاهدین، به عزرتی تألیف القلوب، اصل است. وی معتقد است، این افراد که به انگیزه‌هایی غیر از جهاد به مجاهدین پیوسته‌اند، بعدها در نتیجه جهاد و ناساطی با نیروهای مؤمن متحول شده و در مسیر خداوند خالص می‌گیرند.

اما طرح ابوبکر ناجی قرار است این طیف عجیب مبارزان را به کجا رهنمون شود؟ همان‌گونه که گفته شد، «مدیریت توحش» پیرامون ایده تشکیل دولت سامان یافته و می‌کوشد تا نقشه راهی از مراحل تکوین خلافت ترسیم نماید. در این طرح، از سه مرحله عمده پیش از برپایی خلافت نام برده می‌شود: مرحله «دشمن‌زدایی و فرمودگی» که طی آن عملیات‌هایی به منظور فرسودن قوای دشمن صورت می‌پذیرد؛ مرحله بعدی «مدیریت توحش» است و هدفش تضعیف دولت مقتدر مرکزی است. در این هنگام، وظیفه گروه‌های جهادی این است که در غیاب دولت، با توسعه خدمات رفاهی، مدنی و خصوصاً امنیتی شرایط را تحت کنترل درآورده و به عبارتی، شبه دولتی بسازند. نهایتاً مرحله «هموارسازی [مسیر برای برپایی دولت]» از راه می‌رسد که مقدمه

برپایی خلافت است.

همین اشاره مختصر به مراحل تکوین خلافت کافی است تا دریابیم در متن جزوه اصطلاحاتی به کار رفته که در نگاه اول غریب و گاه رمزوار به نظر می‌آیند. لذا، برای این که بتوانیم با متن ارتباط برقرار کنیم، باید چند نکته را مدنظر قرار داد: اولاً، آنچه در قالب کتاب «مدیریت توحش» منتشر می‌شود در واقع جزوه‌ای درون سازمانی است و لذا ساختار آن از انسجامی برخوردار نیست. ثانیاً، جزوه عمدتاً برای افرادی نوشته شده که منطق، اشارات و اصطلاحات مندرج در متن آشنا نیستند و لذا نویسنده گاه به اختصار و ایجازی سخن می‌گوید که ممکن است برای طیف وسیع‌تر مخاطبان گیج‌کننده به نظر آید.

با در نظر گرفتن این خصوصیات، کوشیده‌ایم در ترجمه «مدیریت توحش» دست به مرمت نبرده و متن را با همان ویژگی‌ها، انقطاع‌ها، اختصارها و گاه تکرارهای آن به فارسی برگردانیم. امید است که این ترجمه بتواند پژوهشگران و مسئولین را در فهم بهتر جریان‌های جدید بنیادگرایی اسلامی یاری رساند. در پایان باید از تمامی دوستانی که ما را در ترجمه این کتاب یاری رساندند، به‌ویژه خانم بتول فیروزان تشکر کنیم. اگر صبوری‌ها، دقت نظر و همکاری صمیمانه آن‌ها نبود، این کتاب آبی نمی‌بود که اینک هست.

سپاس پروردگار و سلام و صلوات بر رسول خدا (ص)
و خاندان و صحابه و پیروان و دهنندگان او...

اما بعد،

در مقاله قبل، از میان گروه‌های فعال اسلامی درباره میزان آمادگی جماعت توحید و جهاد سخن گفتم؛ گریه‌م که آن را معجری فرامین الهی در این زمانه می‌دانم و انشالله پیروز خواهم شد. در این جزوه به برنامه این گروه می‌پردازم: برنامه‌ای برای خروج از پستی و خواری و بازگشت مجدد به مسیر نجات و [مقام] رفاه بشریت به سوی هدایت. در این جزوه همچنین به مقایسه برنامه این گروه با دیگر گروه‌های فعال اسلامی که جوانان مسلمان را سرگردان کرده‌اند، می‌پردازیم.

آری! بسیاری از جوانان بسته به اینکه خواهان کُش هستند و یا در پی هوا و هوس و راحتی خویش‌اند، یکی از این دو طریق را برگزیده‌اند. برخی، از تعدد برنامه‌های ارائه‌شده به عنوان راه‌حل این مسئله، گیج شده‌اند. مسئله‌ای که افراد آگاه می‌توانند دست‌کم در متون شرعی

راه حل آن را بیابند. با توجه به موضوع مطرح شده فوق می توان گفت: از میان تمام جریان های حرکت اسلامی، تنها پنج جریان برنامه مکتوب دارند. بعد از کنار گذاشتن جریان «التبلیغ والدعوة» و جریان سلفی «التصفیه و التریه» (سلفی صوفی)، و جریان سلفی «ولاة الامر» و برخی دیگر، پنج جریانی را می یابیم که بر برنامه هایی مکتوب و مشخص استوار بوده و لذا برای بحث و بررسی مناسب هستند، چراکه می توان برنامه آن ها را با عملکرد واقعی شان مقایسه کرد. این پنج جریان عبارتند از:

۱. جریان سلفی جهادی
۲. جریان سلفی بیداری (الصحوه) که سلمان العوده و سفر الحوالی آن را انبیا می کنند.
۳. جریان اخوان المسلمین (سازمان بین المللی)
۴. جریان اخوان ترابری
۵. جریان جهاد مردمی همانند جنبش حماس، جبهه آزادی بخش مور و غیره)

اما برنامه سلفی الصحوه، به خصوص در جلوه اخیر آن [یعنی دغدغه] نهادسازی - شباهت بسیار زیادی به حرکت اخوان (سازمان بین المللی) دارد تا آن جا که ممکن است در بخش هایی با یکدیگر انطباق یابند. در ادامه اما، به اذن خداوند توضیح خواهیم داد که این برنامه حتی با گذشت هزاران سال نیز نمی تواند از مراحل اول خود فراتر نهد، چراکه ناقض بسیاری از سنت های جهانی است؛ سنت هایی که در واقع همان شریعت است. این مسئله، برنامه را در دور باطلی قرار می دهد که منجر به قدرت یافتن کفار و طاغوتیان می شود. برخلاف اخوان، جریان سلفی الصحوه در پی اجرای آن چیزی است که بر روی کاغذ آورده، در حالی که جریان اخوان نظریاتی را بر روی کاغذ مطرح می کند تا از خلال آن برنامه های بدعت آمیز و یا بخش های اندکی از پروژه سکولار

خود را به اجرا درآورد و با استفاده از مدل نظری مکتوب و شعارهای برانگیزاننده، برنامه پوسیده‌اش را در دل جوانان بگنجاند. به این ترتیب هیچ چیز مانع از آن نمی‌شود که شعار «جهاد راه ما و مرگ در راه خدا بالاترین آرزوی ما» را سر دهند و [از سوی دیگر] اذعان کنند «حرکت سلفی!! هیچ منافاتی با حقیقت صوفیانه ندارد». به نظر من جریان سلفی-جهادی جریانی است که روش‌شناسی و برنامه‌اش دربرگیرنده سنت‌هایی تشریعی و جهانی است. هرچند که علی‌رغم این راه و روش الهی، مجریان آن بشر بوده و گرفتار همان نقص‌ها و کمبودهایی هستند که بشر بدان مبتلا بوده و علاوه بر آن، مشمول همان سنت‌های جهانی هستند که بر انسان‌ها دیگر بداند گرفتار می‌شود. همچنین برنامه‌شان مبتلا به همان خط‌بایی است که در قرن اول هجری و ای بسا پیش از آن نیز رخ داده. اگر می‌خواهید به تمامی، آموزه‌های ایده‌آلیسم و واقع‌گرایی را دریابید، به معارف شیخ عمر محمود ابو عمر (باشد که خداوند او را آزاد گرداند) رجوع کنید.

به اعتقاد من، علی‌رغم برخی مشکلات برنامه سلفی جهادی که این مشکلات جزء لاینفک و ذاتی آن است، مزاج برنامه‌شان همان‌گونه که بر روی کاغذ آمده، مطابق با سنت‌های جهان تشریعی راستین پیش می‌رود. همچنین از سر عنایت و لطف الهی چنین‌ایی به آن‌ها عطا شده و بر آنان عیان گشته که در برخی از مراحل بر آن‌ها پوشیده بوده است. آنان و دشمنان‌شان درگیر پیکاری هستند که کسی را از پای انکار شهادت آن به نبرد رسول خدا (ص) با کفار و طاغوتیان نیست. حتی اگر آن‌کس اعتراف نکند که این رزم، در امتداد همان نبرد رسول خدا (ص) است.

جریان اخوان‌ترابی (منبعث شده از جریان اصلی) از سنت‌های جهانی، آنچه را برگزیده که برای تأسیس دولت مناسب بوده است (این‌جا منظور دولت البشیر و الترابی صرف نظر از اختلاف نظر کنونی

آن دو است). اما، غفلت از برخی فرامین شریعت و تحریف برخی دیگر توسط این جریان، از آن دولتی سکولار ساخته که در آن از اسلام جز نامی بر دکان‌ها چیزی نمانده است. شرح این ماجرا و بیان برنامه آن به درازا می‌کشد.

اما جریان جهاد مردمی (مثل جنبش حماس و جنبش جهاد اسلامی و ...) از مقایسه جریان جهاد مردمی با چهار برنامه مذکور در سطور قبل و نیز اطلاعاتی که درباره آن دارید، می‌توانید ماهیت این برنامه را دریابید. به طور خلاصه، برنامه این جریان شبیه به برنامه جریان سلفی مادی است، به جز آن‌که این جریان در اندیشه سیاسی خود از نمونه‌های اولیه اخوان و اخوان ترابی پیش‌روتر است. به علاوه، نتوانسته است، هم‌گام اجرای روش‌های آموزشی و تربیتی، روش‌شناسی علمی صحیح را در بین هوادارانش بگستراند. لذا، بیم آن می‌رود که جریان جهاد مردمی گرفتار یکی از این دو سرنوشت شود: ۱. یا برباد رفتن ثمره آن و افتادن در دست مرتدان سکولار و ملی‌گرایان و ۲. یا برپایی دولتی مشابه دولت «جیش» والترابی در سودان. شرح این ماجرا نیز به درازا می‌کشد.

در مقاله قبلی اشاره کردم که در غالب «معیل مطالعه‌ای هستم که ابهام‌ها و درهم‌آمیختگی بخش‌های قبلی را برطرف کرده و خطوط کلی برنامه جماعت توحید و جهاد را ترسیم کند، البته آن‌که مدت‌هاست ادبیات سیاسی، جزوات و مطالبش پراکنده است و هر آن‌کس که پیگیر اخبارشان بوده بدین نکته واقف است. همچنین، بررسی برنامه سایر جریان‌ها نیز خواهم پرداخت. [در این مسیر] از خداوند عطاقت، انصاف و بخشایش از خطاهای احتمالی را مسألت دارم..

جزوه حاضر با عنوان «مدیریت توحش: حساس‌ترین مرحله‌ای که امت از آن گذر می‌کند»، خطوط کلی را در برمی‌گیرد. بیان جزئیات به دو گروه دیگر واگذار می‌شود: گروه متخصص در فنون که این پژوهش

درباره آن‌ها سخن خواهد گفت و گروه رهبری که در مناطق «مدیریت توحش» استقرار دارند. اگر در ضمن بحث جزئیاتی ذکر می‌شود، یا به دلیل اهمیت آن‌ها است و یا برای پرورش و تقویت قوای ذهنی.

«مدیریت توحش» حساس‌ترین مرحله پیش‌روی امت است. اگر در مدیریت این توحش موفق شویم، این مرحله، به اذن خداوند، پلی خواهد بود به سوی دولت اسلامی که از زمان سقوط خلافت منتظر تکلیفی آن بوده‌ایم؛ و اگر، خدای ناخواسته، شکست بخوریم به پایان نیست، هرچند که چنین شکستی موجب فزونی توحش می‌شود.

فزونگی - حملات - توحش در نتیجه شکست را نمی‌توان بدترین اتفاقی دانست که از گذشته دهه ۱۳۰۰ میلادی و یا پیش از آن تا حال رخ داده است. شنیع‌ترین و بدترین دیبالت توحش نیز به مراتب بهتر از ثبات و استقرار تحت نظام کفر است.

www.ketab.ir